



تقریر درس خارج فقه الصلاة آیت الله اراکی دامت برکاته

مقرر	حجت الاسلام	قادر بریسم	جلسه	۱۲	تاریخ	۱۴۰۳ / ۰۸ / ۲۲
عنوان ۱	نوافل در سفر					
عنوان ۲	فرع دوم: حکم نوافل در اماکن اربعه					
عنوان ۳	جواز نوافل نهاریه در اماکن اربعه					
عنوان ۴	اشکال بر نظر مرحوم نائینی					
عنوان ۵	اختصاص استحباب به فریضه عام					
عنوان ۶	اشکال به شدوذ رأی					
عنوان ۷	نظر شیخنا الاستاد					
عنوان ۸	تأثیر اعراض بر تضعیف روایت					
عنوان ۹	انواع اعراض					
عنوان ۱۰	نظر معظم له در مورد اعراض					
عنوان ۱۱	نظر معظم له درباره روایات					

الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی سیدنا محمد و آله الطیبین الطاهرین

درآمد بحث

بحث ما با محقق نائینی بود که معتقد بودند کلمه «تَطَوُّع» در روایات نافله، ظهور در نوافل مبتدئه دارد و نه در نوافل راتبه.

در روایاتی آمده است که مثلاً در اماکن اربعه (مسجد الحرام، مسجد مدینه، حائر حسینی و مسجد کوفه) فرموده اند: «تَطَوُّعٌ فِي الْحَرَمَيْنِ مَا شِئْتَ» یا «تَطَوُّعٌ فِي الْحَائِرِ الْحُسَيْنِيِّ مَا شِئْتَ». ایشان می فرمایند که کلمه «تَطَوُّع» در نافله مبتدئه به کار رفته است، به این معنا که در نوافلی که انسان به قصد قربت و لله می خواند و نمازهای مستحبی که در روایت آمده است: «الصَّلَاةُ خَيْرٌ مَوْضُوعٍ فَمَنْ شَاءَ اسْتَقْلَّ وَمَنْ شَاءَ اسْتَكْثَرَ»^۱، ناظر است. بنابراین، از نوافل راتبه مانند نافله ظهر و عصر، منصرف است.

۱. بحار الأنوار؛ ج ۷۹؛ ص ۳۰۸.

اشکال به نظر مرحوم نائینی

ما بر این فرمایش، دو اشکال مطرح کردیم:

اولاً: کلمه «تَطَوُّع» حقیقت شرعی شرعیه یا متشرعیه در خصوص نوافل مخترع نیست، بلکه همان معنای لغوی آن مراد است که در مقابل فرد قرار دارد و هر نماز مستحبی را شامل می شود. بنابراین، شامل نوافل راتبه نیز می گردد. ثانیاً: روایات متعددی داریم که کلمه «تَطَوُّع» در آنها در نوافل راتبه به کار رفته و این نشان می دهد که از «تَطَوُّع»، تنها نوافل مبتدئه اراده نمی شود.

برخی از روایات که به موضوع تطوع اشاره دارند، به شرح زیر است:

روایت اول:

«عَنِ الْفَضْلِ بْنِ يسَارٍ وَالْفَضْلِ بْنِ عَبْدِ الْمَلِكِ وَبُكَيْرٍ قَالُوا سَمِعْنَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله يُصَلِّي مِنَ التَّطَوُّعِ مِثْلِي الْفَرِيضَةِ وَيُصُومُ مِنَ التَّطَوُّعِ مِثْلِي الْفَرِيضَةِ»^۱؛

در این روایت، تطوعی که به آن اشاره شده «مثلی الفریضة»، تنها نوافل راتبه است که دو برابر فرائض می باشد. به طور دقیق، ۳۴ نافله راتبه داریم که معادل ۱۷ رکعت فریضة است.

روایت دوم:

«عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ عَنْ سَهْلِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِي نَصْرِ قَالَ قُلْتُ لِأَبِي الْحَسَنِ عليه السلام إِنَّ أَصْحَابَنَا يَخْتَلِفُونَ فِي صَلَاةِ التَّطَوُّعِ بَعْضُهُمْ يُصَلِّي أَرْبَعًا وَأَرْبَعِينَ وَبَعْضُهُمْ يُصَلِّي خَمْسِينَ...»^۲؛

در اینجا نیز مشخص است که مراد از تطوع، نافله راتبه است.

روایت سوم:

«عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْأَشْعَرِيِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَامِرٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَارٍ عَنْ فَضَالَةَ بْنِ أَيُّوبَ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُثْمَانَ قَالَ سَأَلْتُهُ عَنِ التَّطَوُّعِ بِالنَّهَارِ فَذَكَرَ أَنَّهُ يُصَلِّي ثَمَانَ رَكَعَاتٍ قَبْلَ الظُّهْرِ وَثَمَانَ بَعْدَهَا»^۳؛

این روایت به صراحت نشان می دهد که تطوع در نافله راتبه به کار رفته است.

روایت چهارم (فضل بن شاذان):

«عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شاذَانَ عَنِ الرِّضَا عليه السلام فِي حَدِيثٍ قَالَ: وَإِنَّمَا صَارَتِ الْعَتَمَةُ مَقْصُورَةً وَلَيْسَ نَتْرُكُ رَكَعَتَيْهَا لِأَنَّ الرِّكَعَتَيْنِ لَيْسَتَا مِنَ الْخَمْسِينَ وَإِنَّمَا هِيَ زِيَادَةٌ فِي الْخَمْسِينَ تَطَوُّعًا لِيَتِمَّ بِهِمَا بَدَلُ كُلِّ رَكَعَةٍ مِنَ الْفَرِيضَةِ رَكَعَتَيْنِ مِنَ التَّطَوُّعِ»^۴؛

در این روایت نیز مراد از تطوع، نافله راتبه است.

۱. وسائل الشیعة؛ کتاب الصلاة، أبواب أعداد الفرائض، ب ۱۳، ح ۴.

۲. همان؛ ح ۷.

۳. همان؛ ح ۸.

۴. همان؛ ب ۲۹، ح ۳.

بنابراین، بر مرحوم محقق میرزای نائینی دو اشکال اساسی داریم:

اولاً: کلمه «تَطَوُّع» حقیقت متشرعه یا شرعیه‌ای در خصوص نوافل مبتدئه ندارد. بنابراین، نمی‌توان گفت که روایاتی که از جواز یا استحباب تطوع در یکی از اماکن اربعه آمده، مرادشان از «تَطَوُّع» تنها صلات نافله مبتدئه است و نه نوافل راتبه. ثانیاً: علاوه بر این، استعمال کلمه «تَطَوُّع» در نوافل راتبه به وفور در روایات آمده است. لذا، این فرمایش که روایاتی که در تطوع در اماکن اربعه آمده، مخصوص نوافل مبتدئه است، دقیق و مستند به شواهد موجود نیست.

اختصاص استحباب به فریضه تام

با پایان بحث در مورد استحباب نوافل راتبه در اماکن اربعه، به این نتیجه می‌رسیم که این استحباب برای مسافر ثابت است. اما موضوعی که نیاز به بررسی دارد، این است که آیا استحباب نوافل راتبه به کسی اختصاص دارد که نماز چهار رکعتی‌اش را به طور کامل (چهار رکعتی) بخواند؟

در این اماکن اربعه، اتمام نماز برای مسافر جایز است و او مخیر است بین اتمام و تقصیر. حال این سؤال مطرح می‌شود که آیا وقتی گفته‌اند در این اماکن می‌توانید نافله بخوانید، مرادشان این است که اگر فریضه را به صورت چهار رکعتی خواندید، می‌توانید نافله‌اش را نیز بخوانید، یا اینکه این حکم مطلق است و حتی اگر فریضه را به صورت قصر (دو رکعتی) به جای آورده باشید، باز هم می‌توانید نوافل را بخوانید؟

با توجه به اطلاق روایات، می‌توان نتیجه گرفت که نوافل راتبه را به طور مطلق می‌توان خواند، چه فریضه را در این اماکن اربعه به صورت قصر (دو رکعتی) بخوانید و چه به صورت اتمام (چهار رکعتی). در این روایات، هیچ تقییدی وجود ندارد که جواز نوافل راتبه در اماکن اربعه را محدود به کسی کند که فریضه را به صورت کامل (رباعی) به جا آورده است. بنابراین، اطلاق این روایات شامل کسانی نیز می‌شود که فریضه را به صورت قصر (دو رکعتی) به جا می‌آورند.

پرسشگر: ...

معظم‌له: چه فرعی است؟ این یک نماز است و آن نماز دیگر. حکم یکی فرض است و حکم دیگری تنفر و استحباب.

پرسشگر: ...

معظم‌له: نگفته‌اند که فرع چهار رکعتی است. نگفته‌اند اگر چهار رکعتی بیاوری، می‌توانی نافله بیاوری. حرف ما همین است که دلیلی نداریم که بگوئید اگر نماز ظهر را چهار رکعتی خواندی، می‌توانی نافله‌اش را هم هشت رکعت بخوانی. تقییدی نداریم و بنابراین، اطلاق روایات متعددی که دال بر استحباب نوافل راتبه در اماکن اربعه است، شامل کسی هم می‌شود که فریضه‌اش را به صورت قصر (دو رکعتی) به جا می‌آورد.

پرسشگر: فریضه با نصف، تخفیف داده تا نافله را هم بتواند بخواند.

معظم‌له: روایتی وجود دارد که می‌فرماید: «لَوْ صَلَّحْتَ النَّافِلَةَ لَتَمَّتِ الْفَرِيضَةُ». اگر اشکالی مطرح شود، به این روایت که تنها همین روایت هم چنین عبارتی دارد، تمسک می‌شود که گویا تلازم بین تمام بودن فریضه و صالح بودن نافله از آن استتعار می‌شود؛ یعنی نافله در جایی صالح است که فریضه تمام باشد. پس اگر فریضه تمام نبود، نافله هم صالح نیست. اما این نکته چون در جواب سؤال سائل است که می‌گوید: «من در سفر هستم»، ربطی به اماکن اربعه ندارد. سائل می‌پرسد که

من در سفرم و می خواهم نافله ظهر بخوانم، آیا می توانم؟ حضرت می فرماید: نه، «لَوْ صَلَّحْتَ النَّافِلَةَ لَتَمَّتِ الْفَرِيضَةُ» و قطعاً این بیان منصرف از صلات در اماکن اربعه است.

اشکال به شدوذ رأی

در اینجا احتمال دارد که اشکالی مطرح شود مبنی بر اینکه این رأی شاذ است. به عبارت دیگر، اگر قائل شویم که فريضه را می توان در اماکن اربعه به صورت تام و مقصر خواند و اگر آن را به صورت قصر (دو رکعتی) به جای آورد، می تواند نافله را نیز بخواند، ظاهراً چنین اجماعی یا حداقل شهرت مطلقه ای وجود دارد که نافله، همراه با فريضه است و اگر فريضه چهار رکعتی شد، می توان نافله را نیز به جا آورد. شاید این معنا از همین روایتی که خواندیم، استشعار شود.

نظر شیخنا الاستاد

اما شیخنا الاستاد رحمته الله می فرماید که چنین شدوذی در این رأی وجود ندارد، زیرا:
اولاً: شهید در «ذکری» به صراحت این رأی را انتخاب کرده است که مسافر اگر نمازش را در اماکن اربعه به صورت قصر بخواند، می تواند نافله را نیز به جا آورد. ایشان در این باره فرموده اند: «يَجُوزُ الْأَتْيَانُ بِالنَّوَافِلِ فِي الْأَمَاكِنِ الْأَرْبَعَةِ مَطْلَقًا فَصَرَّاهُ لَمْ يُقَصِّرْ»^۱.

غیر از ایشان نیز فقهای دیگری به این رأی قائل شده اند و به هر حال نمی توان ادعا کرد که این رأی شاذ است.
ثانیاً: روایتی داریم که ممکن است آن را در خصوص تنفر در حائر مطلق بدانیم؛ یعنی نافله خواندن در حائر مطلقاً جایز است، چه کسی نماز فريضه اش را به صورت قصر بخواند و چه به صورت تمام. از این روایت، نفی از نوافل در حائر حسینی استفاده شده است. این روایت را ابن قولویه نقل کرده است:

«رَوَى قَوْلُوهُ فِي الْمَزَارِ (كَمَلِ الزِّيَارَاتِ) عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ يَعْقُوبَ الْكِسَائِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَسَنِ الْفَضَّالِ عَنْ عَمْرِو بْنِ سَعِيدٍ عَنْ مُصَدِّقِ بْنِ صَدِيقَةَ عَنْ عَمَّارِ بْنِ مُوسَى قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَنِ الصَّلَاةِ فِي الْحَائِرِ، قَالَ: لَيْسَ الصَّلَاةُ إِلَّا الْفَرَضُ بِالتَّقْصِيرِ وَلَا تَصَلِّ النَّوَافِلَ»^۲.

این روایت هم جواز اتمام در حائر حسینی را نفی کرده و هم جواز نافله را؛ لذا فرموده اند: «لا تفصل النوافل».

تأثیر اعراض بر تضعیف روایت

شهید در «ذکری» به ادعای شاذ بودن این روایت اشاره کرده و به عبارت دیگر، به اعراض اصحاب از آن، آن را تضعیف کرده است. اما آیا اعراض از یک روایت واقعاً موجب تضعیف آن می شود؟

۱. «الرابعة عشرة» استحباب صلاة النوافل المقصورة في الأماكن الأربعة [تستحب صلاة النوافل المقصورة في الأماكن الأربعة، لأنه من باب إتمام الصلاة المنصوص عليه. ... ولا فرق بين أن يتم الفرضية أولاً، ولا بين أن يصلي الفريضة خارجاً عنها و النافلة فيها، أو يصليهما معا فيها]. [ذكرى الشيعة في أحكام الشريعة، ج ۴، ص: ۳۳۵]

۲. وسائل الشيعة؛ كتاب الصلاة، أبواب صلاة المسافر، ب ۲۶، ح ۳.

انواع اعراض

اعراض بر دو نوع است: «اعراض فتوایی» و «اعراض روائی». سؤال این است که آیا اعراض فتوایی نیز موجب تضعیف می‌شود یا فقط اعراض روائی تضعیف را به دنبال دارد؟ یا بالعکس، ممکن است گاهی اعراض روائی موجب تضعیف نباشد، بلکه اعراض فتوایی است که تضعیف را به دنبال دارد؟

نظر معظم له در مورد اعراض

ما معتقدیم که اعراض به طور کلی موجب تضعیف نیست؛ زیرا سبب اعراض معمولاً مشخص نیست. گاهی سبب اعراض، شک در وثاقت برخی از روایات است و یا اینکه کسی اجتهاداً نظرش را نفی کرده است. اگر در نتیجه اجتهاد، نفی وثاقت از یک راوی صورت گیرد، این امر موجب ضعف روایت در مقام فتوا و حتی در مقام روایت نمی‌شود.

مثال‌های تاریخی

بسیار اتفاق می‌افتد که برخی از اجله روایات، روایاتی را نقل می‌کردند که اکنون نمی‌توانیم آنها را غلو بدانیم، اما در برخی از مدارس روایی ما چنین مشی‌ای وجود داشته است. به عنوان مثال، روایت قمیین معمولاً چنین بودند و همچنین روایت خراسان که به مدرسه قم وابسته‌اند. در مقابل، مدرسه بغداد با تعجب باید گفت که در بین عرب‌ها، مسائل عرفانی و مانند آن چندان رواج نداشته و مسائل عرفانی بیشتر در محیط ایران رایج بوده است.

ایرانی‌ها (روایت قمی) برخی از روایاتی را که مقامات خاصی را به امام نسبت می‌دهند، غلو می‌شمردند. مثلاً درباره علم امام علیه السلام یا ولایت تکوینی، این روایات را غلوآمیز می‌دانستند و راوی چنین روایاتی را به کلی رد می‌کردند یا به اخبار این روای عمل نمی‌نمودند. در حالی که در مدرسه بغداد، همین روایاتی که به گمان قمیون غلوآمیز بودند، نقل می‌شد و به آنها ترتیب اثر داده می‌شد.

ما نمی‌توانیم صرفاً بر اساس اعراض، حکم به ضعف روایت کنیم. بلکه باید ابتدا سبب اعراض را شناسایی کنیم و ببینیم که آیا این سبب موجب ضعف روایت می‌شود یا نه.

نظر شیخنا الاستاد

به هر حال، به نظر شیخنا الاستاد رحمته الله، روایت «لَيْسَ الصَّلَاةُ إِلَّا الْفَرَضُ بِالتَّقْصِيرِ وَلَا تَصَلِّ النَّوَافِلُ» را نمی‌توان به شدوذ رمی کرد، زیرا روایات مشابهی داریم که لااقل دو روایت هستند و در مضمون، با این روایت مشابهت دارند. لذا، به این روایت عمل نمی‌کنیم چون مخالف اجماع است.

عمده حرف ایشان این است که چون این روایت با اجماع مخالف است، این مخالفت لااقل موجب ضعف دلالتی روایت می‌گردد، اگر موجب ضعف سندی نشود. به عبارت دیگر، این مخالفت می‌تواند باعث شود که بگوییم دست کم، مراد از این روایت یا تقیّه بوده و اصالت جدّش را ساقط می‌کنیم، یا اینکه قضیه شخصیّه و خارجیه‌ای است. به عنوان مثال، ممکن است کسی در شرایط خاصی بوده که حضرت فرموده‌اند این کار را نکنید. البته این مشروط به این است که در سند روایت خدشه‌ای نکنیم.

بررسی سند روایت

در مورد سند روایت نیز نمی توان خدشه ای وارد کرد، زیرا علی بن محمد بن یعقوب از مشایخ مرحوم ابن قولویه است. اگر کسی توثیقات ابن قولویه را در همه مشایخ او (تمامی روایات «کامل الزیارات») نپذیرد، دست کم در مورد روایت مباشرش باید این توثیق را قبول کند. بنابراین، این روایت از روایت و مشایخ مباشر ایشان است و نمی توان به سادگی آن را رد کرد.

نظر معظم له درباره روایات

به هر حال، ما این تقریب را می پذیریم که به صحت آن روایات قطع داریم؛ زیرا این روایات کثیره و صحیحة السند هستند. بنابراین، نه تنها در اینجا بلکه در هر جای دیگر، اگر قطع به مطلبی پیدا کنیم که در روایات کثیره صحیحة السند هم قطع به سندش وجود داشته باشد و هم قطع به دلالتش، اما یک یا دو روایت در مخالفت با آن بیاید، ما قطع داریم که این مقصود معصوم علیه السلام نبوده است.

بررسی روایات مخالف

اکنون اگر این روایات مکذوب یا جعلی نباشند و تصحیفی در کار نباشد، مراد از آنها ظاهر نیست. در این صورت، ما قائل به سقوط ظهور آنها می شویم و می گوئیم این ظهور قطعاً مراد نیست؛ یا به دلیل تقیه یا به عنوان قضیه شخصی خاصی در یک واقعه یا به هر دلیل دیگری.

لذا با توجه به این که روایات وارده در جواز تقصیر در اماکن اربعه، از جمله حائر حسینی علیه السلام، فراوانند و هم موجب قطع به صدور می شوند و هم قطع به دلالت، نمی توانیم به روایات مخالف عمل کنیم. بنابراین، آن روایات از اعتبار ساقط خواهند شد.

پرسشگر: آیا این روایات مخالف اجماع و شهرت فتوایی هستند؟

معظم له: این روایات مخالف مقطوع به صادره از حضرت معصوم علیه السلام هستند. ما قطع داریم که آن روایات قطعاً از معصوم علیه السلام صادر شده اند و هم به دلالتش قطع داریم و هم به سندش. بنابراین، نمی توانیم به روایات مخالف عمل کنیم؛ زیرا به آنها قطع نداریم.

در این زمینه، یکی یا دو خبر وارد شده که نه قطع به دلالتش داریم و نه صدورش؛ لذا این روایات از اعتبار ساقط می شوند. ما نمی گوئیم اعراض اصحاب موجب ضعف است؛ زیرا باید ببینیم نکته اعراض چیست.

حرفی که ما داریم - نه تنها در اینجا، بلکه در جاهای دیگر نیز به آن عمل می کنیم - این است که اگر مجموعه روایاتی صحیحة السند و قویة الدلالة یا قطعی الدلالة داشته باشیم که در مقابل آن، چند روایت مخالف غیر قابل جمع و متعارض به تمام معنا وجود داشته باشد، روایات مخالف از اعتبار ساقط خواهند شد و نوبت به معارضه و تعارض نمی رسد؛ زیرا ما به صدور روایات اول قطع داریم.

و صلی الله علی محمد و آله الطاهرين